

# اسناد تعدیل‌کننده رابطه باور به دنیای عادلانه با واکنش پرخاشگرانه

## دانش‌آموزان دختر

دکتر محسن گل‌پرور

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی  
خوراسگان، اصفهان

زهرا واتقی

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی  
خوراسگان، اصفهان

**هدف:** بررسی نقش تعدیل‌کننده اسناد در رابطه باور به دنیای عادلانه و واکنش پرخاشگرانه در دانش‌آموزان دختر. **روش:** جامعه آماری پژوهش شامل دختران یک هنرستان در شهر اصفهان (۳۶۰ نفر) بود که از بین آنها ۱۸۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب و به صورت تصادفی در سه موقعیت اسنادی خصمانه، دوستانه و مبهم (هر گروه ۶۰ نفر) جای داده شدند. اسناددهی دانش‌آموزان هر سه گروه برحسب سه سناریوی موقعیتی دستکاری شد. ابزارهای پژوهش عبارت بودند از: مقیاس باور به دنیای عادلانه برای خود (هشت سؤال)، مقیاس باور به دنیای عادلانه برای دیگران (هشت سؤال)، دردسرآفرینی (سه سؤال)، واکنش پرخاشگرانه (دو سؤال) و پرسشنامه مطلوب‌نمایی اجتماعی (شش سؤال). برای وارد کردن متغیر اسناد موقعیتی (خصمانه، دوستانه، و مبهم) به تحلیل‌ها از کدگذاری متضاد استفاده شد. یافته‌های پرسشنامه‌های پژوهش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی تعدیلی تحلیل شدند. **یافته‌ها:** شواهد حاصل از تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی تعدیلی نشان دادند که متغیر اسناد موقعیتی (خصمانه = ۱، دوستانه = -۱، و مبهم = ۰) و دردسرآفرینی (پایین و بالا) قادرند رابطه میان باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران و واکنش پرخاشگرانه را تعدیل کنند. شواهد رگرسیون‌های جداگانه برای دردسرآفرینی پایین و بالا، برحسب سه موقعیت خصمانه، دوستانه و مبهم حاکی از آن بود که در دردسرآفرینی زیاد، باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران با واکنش پرخاشگرانه در گروه اسناد خصمانه رابطه مثبت دارد، ولی در دردسر آفرینی پایین و موقعیت دوستانه و مبهم این روابط منفی هستند. **نتیجه‌گیری:** اسناد از زمره عناصر شناختی است که واکنش افراد را به موقعیت‌های مختلف تعیین می‌کند. به‌ویژه وقتی که به خصومت و عمدی بودن رفتار فردی که باعث ناکامی شده اسناددهی می‌شود، باورهای نظیر باور به دنیای عادلانه، در خدمت نوع اسناددهی و ویژگی‌های فردی افراد نقش دوگانه و متضاد می‌یابند.

**کلیدواژه‌ها:** اسناد، دردسرآفرینی، باور به دنیای عادلانه، واکنش پرخاشگرانه

\* نشانی تماس: اصفهان، خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی،  
واحد خوراسگان

Email: m.golparvar@khuif.ac.ir

## Attribution Moderator of Relationship between Belief in a Just World with Female Students' Aggressive Reaction

**Objective:** This research was conducted with the purpose of studying the moderating role of attribution in relation between belief in a just world with aggressive reaction among female students. Research statistical population were the female students of an art school in Esfahan city (360 persons). Among them as a research sample group, 180 persons were selected using simple random sampling and then randomly assigned to three situations: hostile, benign and ambiguous (each group 60 persons) attribution. Students' attribution of each group has manipulated on the basis of three situational scenarios. Research instruments including: belief in a just world for self scale (8 items), belief in a just world for others scale (with 8 items), troublemaking (with 3 items), aggressive reaction (with 2 items) and social desirability questionnaire (with 6 items). For entering situation variable (hostile, benign and ambiguous attribution) in data analysis, contrast coding has been used. Data were analyzed using Pearson's correlation coefficient and moderated hierarchical regression analysis. Results from moderated hierarchical regression analysis showed that situational attribution variable (hostile=1, benign=-1, and ambiguous= 0) and trouble making (high and low) have moderating power in relations between belief in a just world for self and others with aggressive reaction. Evidences from separate regression analysis for low and high troublemaking on the basis of three situation, that is hostile, benign and ambiguous situations, revealed that in high troublemaking and hostile group there are positive relations between belief in a just world for self and others with aggressive reaction, but in low troublemaking and in two groups of benign and ambiguous situations, there are negative relations between belief in just word with aggressive reaction.

Mohsen Golparvar

Islamic Azad University, Khorasgan  
Branch, Esfahan,

Zahra Vaseghi

Islamic Azad University, Khorasgan  
Branch, Esfahan,

Email: m.golparvar@khuif.ac.ir

**Keywords:** Attribution, Troublemaking, Belief in a just word, Aggressive reaction.

## مقدمه

انگیزه برای اهداف برنامه‌ریزی شده، ایفا کردن نقش سپر بلا در برابر حوادث و رخدادهایی که به‌نظر ناعادلانه می‌آیند و تعدیل و کنترل هیجان‌هایی نظیر خشم و پرخاشگری است. (گل‌پرور، خاکسار و خیاطان، ۱۳۸۸؛ گل‌پرور و خاکسار، ۱۳۸۸)

بر این اساس، در اغلب متون نظری و پژوهشی تأکید شده که این کارکردها از این باور بنیادین نشأت می‌گیرند که «انسان آن می‌درد که کاشته است.» برای نمونه، وقتی فردی که باور نیرومندی به دنیای عادلانه دارد با حادثه یا برخورد ناعادلانه و غیر منصفانه‌ای روبه‌رو می‌شود، با وجود اینکه اول خشمگین می‌شود، با این باور که در صورت خوب بودن تمام ناملایمات برطرف خواهد شد به آرامش می‌رسد. این وضعیت یا رخداد شناختی در مورد بسیاری از حوادث زندگی اتفاق می‌افتد و زمینه ایجاد اعتماد بین فردی، بخشش و کارآمدی را فراهم می‌آورد (اکبری، گل‌پرور و کامکار، ۱۳۸۷؛ دالبرت<sup>۴</sup> و فیلیکی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷). در کنار پژوهش در حوزه پیامدهای باور به دنیای عادلانه، پژوهش‌های قابل توجهی به بسط و گسترش مفهومی و نظری این متغیر پرداخته‌اند که مهمترین دستاورد آنها طرح اشکال مختلف این باورهاست؛ نظیر باور به دنیای عادلانه عمومی<sup>۶</sup>، باور به دنیای عادلانه شخصی<sup>۷</sup>، باور به دنیای عادلانه برای خود، باور به دنیای عادلانه برای دیگران و باور به دنیای ناعادلانه<sup>۸</sup> (گل‌پرور، ۱۳۸۹؛ گل‌پرور و عریضی، ۱۳۸۷؛ گل‌پرور و نادی، ۱۳۸۷).

ذکر دلایل طرح اشکال مختلف باور به دنیای عادلانه در این مقاله نمی‌گنجد، فقط همین بس که گفته شود، نظریه-پردازان و پژوهشگران این عرصه بر این باور بوده و هستند که منبع ارجاع این باورها هرچه اختصاصی‌تر و مشخص‌تر شود، برای پژوهش و عمل مفیدتر است. بر همین مبنا نیز ساتون<sup>۹</sup> و داگلاس<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۵)، بر اساس پژوهش‌های گذشته، با تمایز بین باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران و تأکید بر اینکه باور

باورها و شناخت‌های انسان در عرصه‌های مختلف زندگی بر رفتارها و واکنش‌های وی تأثیری انکارناپذیر دارند. هریک از دسته باورهای انسان معطوف به پدیده‌ای خاص است که گاهی وجه اخلاقی و گاهی اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی به خود می‌گیرند. یک دسته از باورهای انسانی که ماهیتی چند بعدی دارند، باور به وجود دنیای عادلانه<sup>۱</sup> است. بیش از سه دهه پژوهش نشان می‌دهد که این باورها بر این ایده بنیادین که آنچه نصیب انسان می‌شود، حاصل تصادف و شانسی نیست، بلکه با تلاش، شایستگی و پشتکار به دست آمده بنا شده است. بر پایه این ایده و در یک فضای ذهنی و شناختی تحولی و براساس تجارب مختلف زندگی به تدریج این باور به این شکل درمی‌آید که انسان‌های خوب با پیامدهای خوب و انسان‌های بد با پیامدهای بد مواجه می‌شوند، چرا که دستاوردهای مختلف انسان حاصل نیک‌خواهی دنیایی که در آن زندگی می‌کنند نیست، بلکه نتیجه دسترنج و شایستگی آنهاست (گل‌پرور و جوادی، ۱۳۸۵؛ گل‌پرور و عریضی، ۱۳۸۵).

لرنر<sup>۲</sup> (۱۹۸۰) که خود در عرصه‌های پژوهشی و دانشگاهی طراح این باور بوده، آنها را شکلی از توهم مثبت در نظر گرفته است. در حالی که سه دهه تحقیقات گسترده در کشورهای مختلف اروپایی، آمریکا و ایران (کمتز)، این باورها را بیش از آنکه حامل پیامد منفی قابل توجهی بدانند، دارای پیامدهای مثبت دانسته‌اند (فرنهام<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳؛ گل‌پرور و عریضی، ۱۳۸۶). از مهم‌ترین پیامدهای مثبت تعریف شده برای این باورها، در عرصه‌های عاطفی و هیجانی (تجربه حالات عاطفی مثبت)، رضایت از زندگی و کاهش سطح افسردگی، اضطراب و ضعف عملکرد اجتماعی است (گل‌پرور، کامکار و جوادی، ۱۳۸۶). دلیل اینکه این نوع باورها می‌تواند افراد را از نظر سلامت روان شناختی در وضعیت مناسب قرار دهند، کارکرد آنها در سطح شناختی است که از مهمترین شان آماده کردن افراد برای برنامه‌ریزی برای آینده، نشان دادن پشتکار و

1- belief in a just world  
3- Furnham  
5- Filke  
7- personal  
9- Sutton

2- Lerner  
4- Dalbert  
6- general  
8- belief in an unjust world  
10- Douglas

پژوهش‌ها و نظریه‌های کنونی در زمینه نقش تعیین‌کننده‌های شناختی خشم و پرخاشگری، حمایت لازم را از نقش تعدیل‌کننده اسناد در رابطه میان باور به دنیای عادلانه و واکنش پرخاشگرانه کرده‌اند. همه نظریه‌های ارزیابی شناختی<sup>۳</sup> در این نکته هم‌رأی‌اند که تعیین‌کننده‌های شناختی خشم و پرخاشگری (شامل شدت پیامدهای منفی)، اسناد علیت به دیگری و اسناد مسئولیت زیاد برای فرد یا عامل ناکام‌کننده هستند (نرب<sup>۴</sup> و اسپادا<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱). در واقع در نظریه‌های ارزیابی شناختی بر این نکته تأکید می‌شود که با افزایش سطح ناکامی تجربه شده، همراه با اسناد علیت و مسئولیت‌دهی به دیگران، سطح خشم و پرخاشگری به‌عنوان واکنش پایانی افزایش می‌یابد. دزوکا<sup>۶</sup> و دالبرت<sup>۷</sup> (۲۰۰۷)، همسو با نظریه‌های ارزیابی شناختی، بر این نکته تأکید کرده‌اند که پرخاشگری واکنشی به موقعیت ناعادلانه و تهدیدکننده به‌خودی خود می‌تواند بر بهزیستی افراد اثر بگذارد. در همین راستا بگیو و مولر (۲۰۰۶) نیز می‌گویند که ساختار دانش پنهان<sup>۸</sup> و پردازش اطلاعات اجتماعی<sup>۹</sup> دو منبع بالقوه مهم برای رفتارهای پرخاشگرانه محسوب می‌شوند.

چندین مطالعه نشان داده‌اند که کودکان پرخاشگر در مقایسه با کودکان غیرپرخاشگر بیشتر احتمال دارد نشانه‌های اجتماعی را به‌عنوان نشانه‌های تخاصم و بدخواهی تعبیر کنند. این یافته بدین معناست که وقتی افراد تمایلات پرخاشگرانه زیربنایی دارند، در پردازش اطلاعات اجتماعی دنیای پیرامون خود با سوگیری شرایط و موقعیت را تفسیر می‌کنند و بدین وسیله آمادگی آنها برای پرخاشگری همسو با مشخصه‌های زیربنایی‌شان بیشتر می‌شود.

بگیو و مولر (۲۰۰۶) با مرور شواهد قابل توجه محققان و نظریه پردازان مختلف نشان داده‌اند که ویژگی پرخاشگر و در دسر آفرین بودن می‌تواند بر سطح واکنش پرخاشگرانه به موقعیت تأثیر بگذارد. در همین راستا، پژوهش این محققان

به دنیای عادلانه برای خود و دیگران در سطح روان شناختی می‌تواند پیامدهای متفاوتی به بار آورد، به بررسی دو مقیاس جداگانه پرداختند. بر پایه تأکید این پژوهشگران، باور به دنیای عادلانه برای خود، برای خود فرد محوریت ارجاع ایجاد می‌کند، بدین معنا که در ارزیابی شناختی عادلانه یا ناعادلانه بودن شرایط دنیا، فرد به خود و موقعیت ادراک شده‌اش رجوع می‌کند. اما در باور به دنیای عادلانه برای دیگران، در باره عادلانه بودن یا نبودن شرایط برای دیگران، از منظر یک ناظر و شاهد بیرونی به داوری می‌نشیند (همان جا).

به هر حال، پژوهش‌ها درباره باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران در ایران نشان می‌دهند که تا حدی می‌توان برای این باورها در سطح روان شناختی پیامدهای نسبتاً متفاوتی تصور کرد (گل‌پرور و جوادی، ۱۳۸۵؛ گل‌پرور و همکاران، ۱۳۸۶). در مجموع، بر اساس کارکردهایی که برای باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران طرح شده، پژوهشگران علاقه‌مند به این باورها، به کارکرد کنترل خشم و پرخاشگری آنها توجه جدی کرده‌اند که یکی از مهم‌ترین آنها پژوهش بگیو<sup>۱</sup> و مولر<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) است. براساس این پژوهش متغیر سومی معرفی شده به نام سوگیری اسنادی خصمانه. رابطه این متغیر و واکنش پرخاشگرانه از طریق باور به دنیای عادلانه (به‌ویژه باور به دنیای عادلانه برای خود) تعدیل می‌شود. باور پژوهشگران این پژوهش این است که همان اندازه که باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران قادر است رابطه اسناد موقعیتی و واکنش پرخاشگرانه را تعدیل کند، اسناد موقعیتی نیز می‌تواند رابطه باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران را با واکنش پرخاشگرانه تعدیل نماید. به همین دلیل در این پژوهش، فراتر از رابطه‌سنجی‌های ساده و حتی چندگانه (در قالب همبستگی‌های ساده و تحلیل رگرسیون غیرسلسله مراتبی)، رابطه باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران و واکنش پرخاشگرانه، با توجه به دو متغیر تعدیل‌کننده در دسر آفرینی و اسناد موقعیتی، بررسی شد تا دانش کنونی در باره نقش‌ها و کارکردهای باور به دنیای عادلانه در ایران بسط و گسترش یابد.

1- Begue  
3- cognitive appraisal theories  
5- Spada  
7- Dalbert  
9- social information processing  
2- Muller  
4- Nerb  
6- Dzuka  
8- latent knowledge structure

به‌هرحال، شواهد پژوهشی بگیو و مولر (۲۰۰۶) حاکی از آن است که دردرس‌آفرینی به‌عنوان یک ویژگی زیربنایی، همراه با اسناد موقعیتی، در قالب‌های خصمانه، دوستانه و مبهم قادر است رابطه میان باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران و واکنش پرخاشگرانه را تعدیل کند.

بر این اساس و از آنجا که پژوهش‌های حوزه باور به دنیای عادلانه در ایران تاکنون به نقش تعدیل‌کننده متغیرهای یادشده چندان توجه نکرده‌اند، این پژوهش اجرا شد تا با فراهم‌آوردن شواهدی در تأیید و رد دیدگاه‌های معطوف به نقش تعدیل‌کنندگی ویژگی‌های فردی، شناختی و موقعیتی در رابطه میان باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران و واکنش پرخاشگرانه، بخشی از خلاء دانش بین‌فرهنگی این حوزه را پر کند.

براین اساس، برای این پژوهش دو فرضیه زیر صورت‌بندی شد:

فرضیه اول: دردرس‌آفرینی و اسناد موقعیتی (خصمانه، دوستانه و مبهم) رابطه میان باور به دنیای عادلانه برای خود و واکنش پرخاشگرانه را تعدیل می‌کند.

فرضیه دوم: دردرس‌آفرینی و اسناد موقعیتی (خصمانه، دوستانه و مبهم) رابطه میان باور به دنیای عادلانه برای دیگران و واکنش پرخاشگرانه را تعدیل می‌کند.

## روش

این پژوهش از نوع شبه آزمایشی میدانی است و جامعه آماری آن را ۳۶۰ دانش‌آموز (۹۳ نفر کلاس اول، ۱۲۷ نفر کلاس دوم و ۱۴۸ نفر کلاس سوم) یک هنرستان دخترانه ناحیه ۴ شهر اصفهان تشکیل می‌دهند. دلیل انتخاب این مقطع تحصیلی و سنی تطبیق-پذیری نتایج مطالعه با مطالعات مشابه خارجی (بگیو و مولر، ۲۰۰۶) است. انتخاب گروه نمونه از میان دختران (و نه هر دو جنس) نیز به دلیل نقش بالقوه تعدیل‌کننده متغیر جنسیت در رابطه میان باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه و متغیرهای رفتاری است (گل‌پرور و نادی، ۱۳۸۹). بنابراین برای کنترل تأثیرات احتمالی جنسیت بر نتایج پژوهش فقط از نمونه دختران دانش‌آموز استفاده شد.

(همان‌جا) در گروه نمونه‌ای متشکل از ۳۷۹ نفر (۱۷۸ پسر، ۱۹۸ دختر و سه نفر با جنسیت نامشخص) در دامنه سنی ۱۰ تا ۱۶ سال اجرا شد که خلاصه نتایج آن به این شرح است: تأثیرات باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران بر واکنش پرخاشگرانه، به‌عنوان یک ویژگی رفتاری مسلط و اسناد موقعیتی به فرد ناکام‌کننده، از طریق دردرس‌آفرینی تعدیل می‌شود، یعنی اینکه در شرایط معمولی و بدون در نظر گرفتن متغیرهای تعدیل‌کننده دردرس‌آفرینی و اسناد عمدی، باور به دنیای عادلانه با واکنش پرخاشگرانه رابطه منفی دارد. یعنی با افزایش سطح باور به دنیای عادلانه (به‌ویژه باور به دنیای عادلانه برای خود)، به‌دلیل کارکرد آن در کنترل هیجان خشم و پرخاشگری (گل‌پرور و همکاران، ۱۳۸۸) و نیز باور به بازتاب بدر رفتاری ناعادلانه و یا وقایع ناعادلانه به وسیله دنیا، تمایل به واکنش پرخاشگرانه کاهش می‌یابد. اما زمانی که فرد از لحاظ رفتارهای خصمانه و پرخاشگری خود را فردی دردرس‌آفرین می‌داند و در عین حال به عمدی یا مبهم بودن رفتار فرد ناکام‌کننده اسناد می‌دهد، رابطه باور به دنیای عادلانه با واکنش پرخاشگرانه تغییر می‌کند.

یافته‌های بگیو و مولر (۲۰۰۶) حاکی از آن است که در دردرس‌آفرینی پایین و اسناد به خصمانه بودن رفتار فرد ناکام‌کننده، فقط باور به دنیای عادلانه برای خود با واکنش پرخاشگرانه رابطه مثبت دارد. اما در اسناد دوستانه یا مبهم، به دلیل اینکه سرخ‌ها و نشانه‌های موقعیتی قادر نیستند سازوکارهای خشم و پرخاشگری را فعال و یا حتی بازداری کنند، رابطه میان باور به دنیای عادلانه برای خود با واکنش پرخاشگرانه منفی است. جالب این است که در دردرس‌آفرینی پایین (درمقابل دردرس‌آفرینی بالا) که به نتایج آن اشاره شد، با افزایش باور به دنیای عادلانه، واکنش پرخاشگرانه کاهش یافته است. این یافته بدین معناست که در دردرس‌آفرینی بالا و اسناد خصمانه به عامل ناکام‌کننده، افراد در راستای ویژگی زیربنایی‌شان، از باور به دنیای عادلانه خود برای بروز رفتارهای پرخاشگرانه استفاده می‌کنند، ولی در دردرس‌آفرینی پایین به دلیل ناهمسازی واکنش پرخاشگرانه با ویژگی زیر بنایی، یعنی عدم دردرس‌آفرین بودن، افراد پرخاشگری کمتری نشان می‌دهند.

در موقعیت خصمانه زمانی که دانش آموز مورد نظر از سرمیزی که سعی کرده بود روی یکی از صندلی های دور آن بنشیند دور می شود، متوجه می شود که آن فرد به دروغ و از سر خصومت مانع نشستن او روی صندلی خالی شده و اصلاً منتظر دوستش نبوده است. در موقعیت مبهم، دانش آموز اصلاً متوجه نمی شود که آیا واقعاً آن فرد منتظر دوستش بوده یا خیر و این سؤال در ذهنش بدون پاسخ می ماند. در موقعیت دوستانه نیز در حال دور شدن از میزی که سعی کرده بود روی صندلی پشت آن بنشیند، متوجه می شود که فرد مورد نظر واقعاً منتظر دوستش بوده و به او راست گفته که صندلی خالی را برای دوستش نگه داشته است. بنابراین با آسودگی خاطر و بدون رنجش موقعیت را ترک می کند. این سه سناریو بر مبنای توضیحات فوق برای سه گروه موقعیت دوستانه، موقعیت خصمانه و موقعیت مبهم تهیه و طبق روال زیر در اختیار دانش آموزان قرار گرفت تا مطالعه کنند.

در مرحله اول، پس از دادن توضیحاتی درباره بررسی نحوه واکنش افراد به موقعیت های خاص در مدرسه، از دانش آموزان خواسته شد تا پایه تحصیلی، سن، و شغل پدر و مادر خود را مشخص کنند و به سؤال های مربوط به باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران و در دست آفرینی پاسخ دهند. در مرحله دوم، سناریوی مربوط به موقعیت هر دانش آموز در اختیار وی قرار داده شد تا پاسخ دهد. در پی هر سناریو، هر دانش آموز می بایست به دو سؤال مربوط به نحوه واکنش وی به موقعیت و یک سؤال درباره باورش به راستگویی فرد مورد نظر (در مورد منتظر دوستش بودن) پاسخ بدهد. در پایان نیز از آنجا که پاسخ های پر خاشکانه تحت تأثیر مطلوب نمایی اجتماعی<sup>۱</sup> قرار می گیرد (بگیو و مولر، ۲۰۰۶)، هر یک از شرکت کنندگان به سؤال های مربوط به مطلوب نمایی اجتماعی نیز پاسخ دادند.

برای بررسی تأثیر دستکاری اعمال شده<sup>۲</sup> و اطمینان از اینکه دستکاری های موقعیتی از طریق سه سناریوی مورد استفاده در پژوهش بر شرکت کنندگان تأثیر داشته است، بر باور هر پاسخگو (به تفکیک سه گروه) در مورد راستگویی یا دروغگویی فردی که

از مجموع ۳۶۰ نفر جامعه آماری پژوهش، سه گروه ۶۰ نفری از پایه های اول تا سوم و در مجموع ۱۸۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس، ۱۸۰ نفر به صورت تصادفی در سه موقعیت خصمانه، دوستانه و مبهم (از هر پایه ۲۰ نفر) جای داده شدند. بنابراین در هر یک از سه موقعیت، سه گروه ۲۰ نفری از پایه های اول تا سوم شرکت کردند. حجم نمونه ۱۸۰ نفر بر اساس تناسب حجم نمونه با حجم جامعه آماری انتخاب شد؛ بدین شکل که برای یک جامعه آماری ۳۶۰ نفری، در سطح خطا پذیری ۰/۰۵، ۱۸۰ نفر نمونه مکفی و مناسبی گزارش شده است (حسن زاده، ۱۳۸۲). میانگین سنی اعضای نمونه ۱۶/۰۶ سال (با انحراف معیار ۱/۱۵) بود. از آنجا که مبنای انتخاب هنرستان برای نمونه گیری، امکان هماهنگی و دسترسی پذیری برای یکی از پژوهشگران پژوهش حاضر بود و در ضمن امکان کنترل سایر متغیرها، به جز جنسیت، وجود نداشت، طرح پژوهش سه گروهی شبه آزمایشی در نظر گرفته شده است. بدین ترتیب، متغیر مستقل در این پژوهش موقعیت هر دانش آموز (در سه سطح موقعیت خصمانه، دوستانه و مبهم) بود که بدین صورت در آن دستکاری شد.

بر اساس سه سناریوی بگیو و مولر (۲۰۰۶)، سه موقعیت خصمانه، دوستانه و مبهم ایجاد شد. شرح کلی سناریوی چنین بود: در فاصله زمانی بین دو کلاس، دانش آموز به بوفه مدرسه (یاهر مکان دیگری که معمولاً دانش آموزان خوراکی های میان وعده ای خود را از آنجا تهیه می کنند) می رود و آنجا دور یکی از میزها چند دانش آموز را می بیند که در کنار یکدیگر نشسته اند ولی نزدیک آنها یک صندلی خالی است. این دانش آموز تصمیم می گیرد پس از تهیه خوراکی خود روی آن صندلی خالی بنشیند و آن را بخورد. اما به محض اینکه می خواهد روی صندلی بنشیند، یکی از چند نفری که دور میز نشسته به وی می گوید که این صندلی را برای دوستش که به زودی خواهد آمد نگه داشته است و لذا او نمی تواند روی آن بنشیند. لذا، دانش آموز مورد نظر ما از آن صندلی دور می شود و در جای دیگری خوراکی اش را می خورد. بر اساس سناریویی که توضیح داده شد، سه موقعیت خصمانه، دوستانه و مبهم به این شکل ایجاد شد:

1- social desirability

2- manipulation check

به دلیل نوجوان و مؤنث بودن گروه نمونه پژوهش حاضر، برای ۱۰ سؤال تحلیل عاملی اکتشافی<sup>۴</sup> با چرخش از نوع واریماکس<sup>۵</sup> انجام شد. این تحلیل همراه با بررسی نقش سؤالها در آلفای کرونباخ، به حذف سؤالهای اول، چهارم، ششم و هفتم انجامید. شش سؤال باقی مانده با قرار گرفتن روی یک عامل، آلفای کرونباخ ضعیفی را (در حد ۰/۳۸) نشان داد. به دلیل ضعیف بودن آلفای کرونباخ این پرسشنامه، همبستگی بین باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران با واکنش پرخاشگرانه برای پایایی پایین تصحیح شد. یک نمونه سؤال این پرسشنامه این است: «من همیشه با کسانی که چندان خوشایند و دلنشین نیستند مؤدب هستم.» پاسخ بلی به این سؤال امتیاز یک و پاسخ خیر امتیاز صفر می گیرد.

### ۳- پرسشنامه های باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران:

برای سنجش باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران از دو مجموعه هشت سؤالی (یکی برای خود و دیگری برای دیگران) که ساتون و داگلاس (۲۰۰۵) معرفی کرده و بر مبنای لیکرت هفت درجه ای («کاملاً مخالفم»= ۱ تا «کاملاً موافقم»= ۷) پاسخ داده می شود استفاده شد. این دو پرسشنامه را در ایران گل پرور و عربی (۱۳۸۶) ترجمه و پایایی سنجی و روایی یابی کردند و بعد از آن نیز از نظر شواهد روایی و پایایی در چند مطالعه (گل پرور و جواد، ۱۳۸۵؛ گل پرور و همکاران، ۱۳۸۶) مجدداً بررسی شد.

شواهد این مطالعات همگی حکایت از مطلوب بودن روایی و پایایی این دو مقیاس هشت سؤالی دارد؛ به این ترتیب که آلفای کرونباخ برای مقیاس باور به دنیای عادلانه برای خود ۰/۷۵ و برای مقیاس باور به دنیای عادلانه برای دیگران نیز از ۰/۷۵ تا ۰/۸۴ متغیر بود. مقیاس باور به دنیای عادلانه برای خود، باور فرد پاسخگو را به رعایت عدالت در دنیا برای خود فرد و مقیاس باور به دنیای عادلانه برای دیگران، باور فرد پاسخگو را به رعایت عدالت در دنیا برای دیگران می سنجد. در این پژوهش آلفای کرونباخ برای باور به دنیای عادلانه برای دیگران ۰/۶۶ و برای باور به دنیای عادلانه برای خود ۰/۷۳ به دست آمد. یک نمونه سؤال برای باور به دنیای

مانع استفاده از صندلی خالی شده، تحلیل واریانس انجام شد. نتایج این تحلیل واریانس معنادار ( $p < 0/01$  و  $F=8/145$  و  $df=2$  و  $177$ ) بود. اجرای آزمون تعقیبی توکی برای سه گروه حاکی از آن بود که افراد گروه موقعیت خصمانه به صورت معناداری نسبت به دو گروه موقعیت دوستانه ( $p < 0/01$ ) و مبهم ( $p < 0/05$ ) رفتار فردی را که نگذاشته بود دانش آموز مورد نظر از صندلی خالی استفاده کند به بی صدقاتی و خصومت وی نسبت داده بودند. بین دو گروه موقعیت دوستانه و مبهم تفاوت معناداری ( $p < 0/05$ ) به دست نیامد. این نتایج حاکی از آن است که به ویژه سناریوی موقعیت خصمانه، اسناد بی صدقاتی و خصومت را در دانش آموزان دختر آن گروه فعال کرده است.

### ابزارهای پژوهش

۱- واکنش پرخاشگرانه به موقعیت: برای سنجش واکنش پرخاشگرانه هریک از دانش آموزان دختر به سه موقعیت خصمانه، دوستانه، و مبهم از دو سؤال بگیو و مولر (۲۰۰۶) استفاده شد که بر اساس مقیاس پنج درجه ای («کاملاً مخالفم»= ۱ تا «کاملاً موافقم»= ۵) پاسخ داده می شود. برای استفاده از این دو سؤال در پژوهش، متخصص آنها را به دقت از انگلیسی ترجمه و سپس تطبیق محتوایی کرد. بگیو و مولر (۲۰۰۶) همبستگی ۰/۴۱ را بین دو گویه ( $p < 0/01$ ) گزارش کردند. آلفای کرونباخ<sup>۱</sup> نیز ۰/۶۷ به دست آمد. همبستگی دو گویه نیز ۰/۵۱ و معنادار ( $p < 0/01$ ) بود. دو گویه مذکور بدین شرح اند: «مواجه شدن با چنین موقعیتی مرا به شدت خشمگین می کند» و «بدون تردید سعی می کنم تلافی آن را سر فردی که نگذاشت روی صندلی بنشینم در بیاورم.»

۲- مطلوب نمایی اجتماعی: برای سنجش سطح مطلوب نمایی اجتماعی (به عنوان متغیر کنترل)، از پرسشنامه ده سؤالی استران<sup>۲</sup> و گرباسی<sup>۳</sup> (۱۹۷۲) استفاده شد. در این پرسشنامه، به تناسب محتوای سؤال، به پاسخها (بلی یا خیر) امتیاز یک یا صفر تعلق می گیرد. این پرسشنامه که آلفای کرونباخ آن اساساً متوسط است (در حدود ۰/۴ تا ۰/۵۶)، در پژوهش های قبلی در ایران در گروه جمعیت بزرگسال (گل پرور و ناد، ۱۳۸۹) بررسی شده است.

1- Cronbach's alpha

2- Strahan

3- Gerbasi

4- exploratory factor analysis

5- Varimax

عدد ۱ به موقعیت دوستانه، عدد ۱- به موقعیت خصمانه و عدد صفر به موقعیت مبهم. سپس تعامل این دو متغیر با باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران و دردسر آفرینی، براساس تحلیل رگرسیون سلسله مراتب تعدیلی (به توصیه آیکن<sup>۱</sup> و وست<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱) مورد استفاده قرار گرفت. همچنین براساس کدگذاری ۱ و ۱- و بر مبنای یک انحراف معیار بالاتر از میانگین و یک انحراف معیار پایین تر از میانگین دردسر آفرینی زیاد و کم به وجود آمد. یافته‌ها همگی با نرم افزار SPSS<sup>۳</sup> تحلیل شدند.

### یافته‌ها

در جدول ۱، میانگین، انحراف معیار و همبستگی میان متغیرهای پژوهش آورده شده است. چنان که در جدول ۱ مشاهده می شود، در گروه موقعیت خصمانه فقط باور به دنیای عادلانه برای دیگران با باور به دنیای عادلانه برای خود ( $r=0/529$ ) رابطه مثبت و معنادار ( $p<0/01$ ) دارد. در موقعیت دوستانه، باور به دنیای عادلانه برای دیگران با باور به دنیای عادلانه برای خود ( $r=0/658$ ) رابطه مثبت و معنادار ( $p<0/01$ ) دارد، اما رابطه‌اش با دردسر آفرینی ( $r=-0/336$ ) منفی و معنادار است؟ ( $p<0/01$ ) و با واکنش پرخاشگرانه و مطلوب‌نمایی اجتماعی رابطه معناداری ندارد. دردسر آفرینی در گروه دوستانه با واکنش پرخاشگرانه رابطه معناداری ندارد ( $p<0/05$ )، ولی رابطه‌اش با مطلوب‌نمایی اجتماعی ( $r=-0/259$ ) منفی و معنادار ( $p<0/05$ ) است. در موقعیت دوستانه، بین واکنش پرخاشگرانه و مطلوب‌نمایی اجتماعی رابطه معناداری به دست نیامده است ( $p<0/05$ ). بالاخره در موقعیت مبهم نیز رابطه بین باور به دنیای عادلانه برای دیگران و باور به دنیای عادلانه برای خود ( $r=0/546$ ) مثبت و معنادار است و بین دردسر آفرینی و واکنش پرخاشگرانه ( $r=0/282$ ) نیز رابطه مثبت و معنادار ( $p<0/05$ ) وجود دارد، ولی در موقعیت مبهم بین مطلوب‌نمایی

عادلانه برای خود چنین است: «آنچه در دنیا نصیب من می‌شود عادلانه است»؛ و یک نمونه سؤال برای باور به دنیای عادلانه برای دیگران این است: «آنچه در دنیا نصیب دیگران می‌شود عادلانه است.»

۴- دردسر آفرینی: برای سنجش دردسر آفرینی از سه سؤال بگیو و مولر (۲۰۰۶) که در یک مقیاس هفت درجه‌ای («خیلی کم» = ۱ تا «خیلی زیاد» = ۷) پاسخ داده می‌شود، استفاده شد. در پژوهش بگیو و مولر (۲۰۰۶) معلمان اقدام به مشخص کردن میزان دردسر آفرینی هریک از دانش آموزان گروه نمونه کرده‌اند، ولی در این پژوهش چون بررسی اولیه (قبل از اجرای پرسشنامه‌ها) نشان داد که امکان پاسخگویی معلمان به دلیل مخالفت و بی میلی آنها وجود ندارد، به این سه سؤال به صورت خود گزارش دهی دختران گروه‌های سه گانه پاسخ داده شد. به هر حال این سه سؤال میزان دردسر آفرینی دانش آموز پاسخگو را در محیط مدرسه (کلاس و بیرون کلاس) می‌سنجد.

بگیو و مولر (۲۰۰۶) پایایی این سؤال‌ها را بر حسب پایایی بین معلمان بررسی و تأیید کردند. اما در این پژوهش برای سه سؤال تحلیل عاملی اکتشافی و چرخش واریماکس انجام شد که به ترتیب با بارهای عاملی ۰/۸۳، ۰/۷۳ و ۰/۷۵ روی یک عامل با آلفای کرونباخ ۰/۶۳ قرار گرفت. یک نمونه سؤال این پرسشنامه این است: «اگر بخواهید به طور کلی بگویید، فکر می‌کنید چقدر در محیط مدرسه دردسر آفرین و مشکل ساز هستید؟»

اجرای پژوهش برای هر شرکت کننده حدود ۲۰ تا ۲۵ دقیقه طول کشید و شرکت کنندگان در گروه‌های پنج تا ۱۰ نفره در پژوهش شرکت کردند، ولی به صورت فردی به ابزارهای پژوهش پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی تعدیلی تحلیل شدند. به توصیه بگیو و مولر (۲۰۰۶) برای وارد کردن متغیر موقعیت در سه سطح خصمانه، دوستانه و مبهم از کدگذاری متضاد استفاده شد. از آنجا که سه موقعیت (خصمانه، دوستانه و مبهم) وجود داشت، دو متغیر متضاد ایجاد شد؛ یکی بر حسب اختصاص عدد ۲ به موقعیت مبهم و عدد ۱- به دو موقعیت دوستانه و خصمانه، و دیگری بر حسب اختصاص

1- Aiken 2- West  
3- Statistical Package for Social Science

جدول ۱- میانگین، انحراف معیار و همبستگی درونی متغیرهای پژوهش به تفکیک گروه‌های پژوهش

متغیرهای پژوهش	موقعیت درستانه			موقعیت خصمانه		
	موقعیت مهم	۱	۲	۳	۴	۵
۱	SD ۳۱/۴۸	M ۷/۵۹	۳/۱۲۳	۷/۵۹	۳/۱۲۳	۳/۱۸۵
۲	۰/۵۶۶°	۸/۶۴	۳۴	۰/۶۵۸°	۹/۸۹	۳۴/۳۳
۳	۰/۲۰۶°	۲/۶۲	۵/۸	۰/۵۴۱°	۳/۰۳	۵/۸۶
۴	۰/۲۸۸°	۰/۱۱۱	۲/۵۶	۲/۹۵	۰/۱۷۲	۰/۲۱۵
۵	۰/۲۹۶°	۰/۳۳۲°	۱/۲۷	۲/۹۴	۰/۲۴۱	۰/۲۵۹°

جدول ۲- نتایج رگرسیون سلسله مراتبی پیش بینی واکنش پر خاشنگرانه از طریق باور به دنیای عادلانه برای خود و در دوسر آفرینی بر حسب سه موقعیت پژوهش

متغیرهای پیش بین	مدلهای پژوهش			کنترل		
	تأثیرات تعاملی دوره‌ها	تأثیرات تعاملی دوره‌ها	تأثیرات اصلی	تأثیرات اصلی	تأثیرات اصلی	تأثیرات اصلی
۱	SE ۰/۱۲	β ۰/۱۲	SE ۰/۰۴۱	β ۰/۱۲	SE ۰/۰۲۶	β ۰/۱۲
۲	۰/۱۸	۰/۱۲	۰/۱۹	۰/۱۲	۰/۰۸۵	۰/۱۲
۳	۰/۵۷	۰/۱۵	۰/۵۶	۰/۱۶۸°	۰/۵۳	۰/۱۳۷
۴	۰/۱۲	۰/۰۴	۰/۱۲	۰/۰۶۱	۰/۱۱	۰/۰۶۶
۵	۰/۲۱	۰/۳۳°	۰/۲۱	۰/۳۱۶°	۰/۲۱	۰/۳۲۴°
۶	۰/۵۲	۰/۱۲	۰/۵۲	۰/۰۹۷	---	---
۷	۰/۱۳	۰/۰۴	۰/۱۲	۰/۰۲	---	---
۸	۰/۲۲	۰/۰۶	۰/۲	۰/۰۳	---	---
۹	۰/۳۳	۰/۱۶°	---	---	---	---
۱۰	۰/۶۵	۰/۰۸	---	---	---	---
۱۱	۰/۰۲۶	۰/۰۰۸	۰/۱۴۴	---	---	---
۱۲	۲/۶۹	۰/۵۴۲	۷/۳۳°	---	---	---

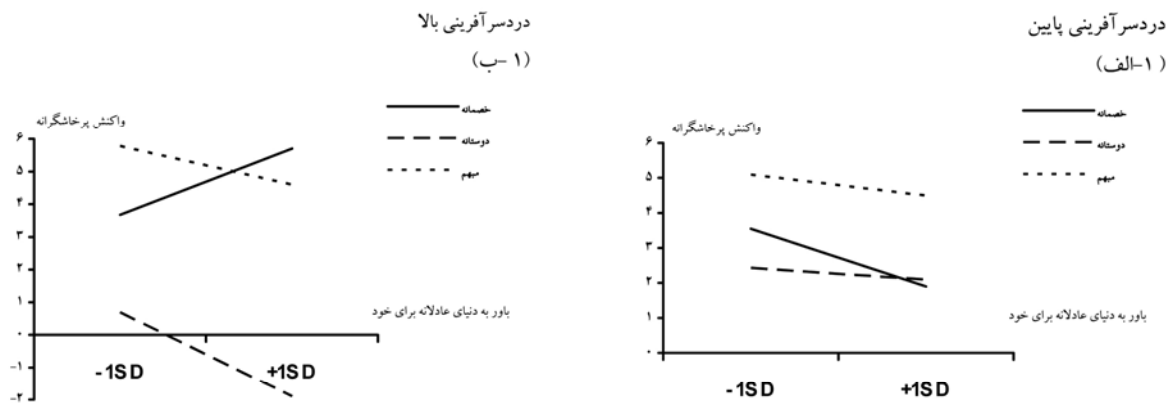
\* P<۰/۰۵      \*\* P<۰/۰۱



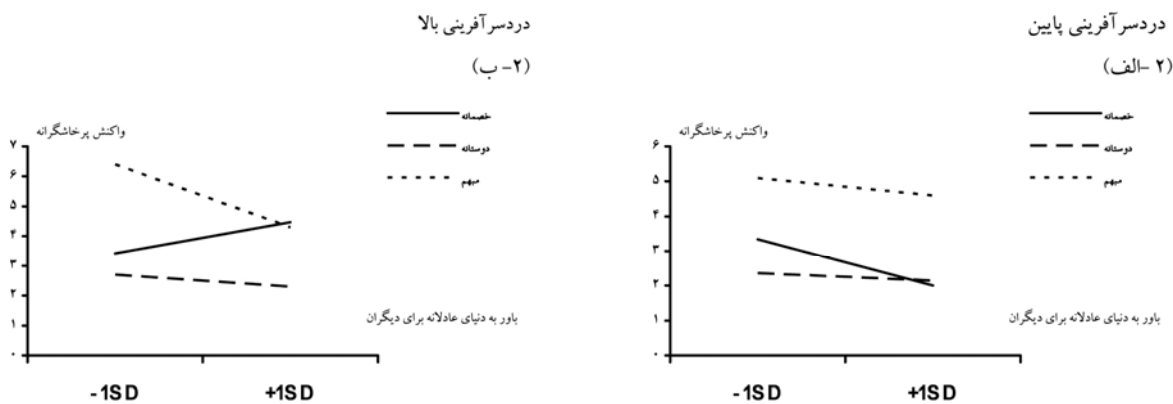
جدول ۳- نتایج رگرسیون سلسه مراتبی برای پیش‌بینی واکنش پرخاشگرانه، از طریق باور به دنیای عادلانه برای دیگران و در دس‌آفرینی بر حسب سه موقعیت پژوهش

تایید	متغیرهای پیش‌بین	مدل‌های پژوهش			
		تأثیرات تعاملی دو راهه		تأثیرات اصلی	
SE	$\beta$	SE	$\beta$	SE	$\beta$
۰/۱۱۹	-۰/۰۴	۰/۱۲	-۰/۰۴۳	۰/۱۲	-۰/۰۲۹
۰/۱۶	-۰/۱۵۷*	۰/۱۷	-۰/۱۵۹*	۰/۱۵	-۰/۱۱
۰/۵۷	۰/۱۶۱*	۰/۵۳	۰/۱۷۱*	۰/۵۲	۰/۱۴*
۰/۱۱	۰/۰۷	۰/۱۱	۰/۰۸۴	۰/۱۱	۰/۰۸
۰/۲	۰/۲۹**	۰/۲	۰/۲۹۹**	۰/۲	۰/۳۱**
۰/۵۲	۰/۰۹	۰/۴۵	۰/۱۳۴	--	--
۰/۱۲	۰/۰۶	۰/۱۱	۰/۰۰۰	--	--
۰/۲	-۰/۱۲	۰/۱۹	-۰/۱۰۲	--	--
۰/۳۴	-۰/۱۶*	--	--	--	--
۰/۶۵	۰/۰۲	--	--	--	--
۰/۰۲۵		۰/۰۱۹		۰/۱۵۱	--
۲/۶۷		۱/۳۳		۷/۷۸**	--
					$\Delta R^2$
					$\Delta F$

\*\* P<۰/۰۱ \* P<۰/۰۵



شکل ۱- رابطه باور به دنیای عادلانه برای خود با واکنش پرخاشگرانه در در دس‌آفرینی پایین و بالا در سه موقعیت پژوهش (خصمانه، دوستانه، مبهم)



شکل ۲- رابطه باور به دنیای عادلانه برای دیگران با واکنش پرخاشگرانه در در دس‌آفرینی پایین و بالا در سه موقعیت پژوهش

داد که رگرسیون‌های هیچ‌یک از گروه‌های دردسر آفرینی پایین و بالا، در سه گروه موقعیت خصمانه، دوستانه و مبهم، به ضرایب پیش‌بین معنادار نمی‌انجامد. با وجود این، در شکل ۲ تحلیل‌های ساده شیب خط ارائه شده است.

چنان‌که در شکل ۲- الف دیده می‌شود، در دردسر آفرینی پایین و اسناد خصمانه، رابطه میان باور به دنیای عادلانه برای دیگران با واکنش پرخاشگرانه منفی و نیرومندتر از دو موقعیت دوستانه و مبهم است (شیب خطوط را با یکدیگر مقایسه کنید). اما در شکل ۲- ب نشان داده شده که در دردسر آفرینی بالا و اسناد خصمانه، رابطه باور به دنیای عادلانه برای دیگران با واکنش پرخاشگرانه مثبت ولی در دو موقعیت دوستانه و مبهم (و در دردسر آفرینی بالا) این رابطه منفی است.

### نتیجه‌گیری

تحلیل یافته‌ها دو فرضیه پژوهش را، مبنی بر اینکه دردسر آفرینی و اسناد موقعیتی (خصمانه، دوستانه و مبهم) رابطه باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران را با واکنش پرخاشگرانه تعدیل می‌کند، به طور ضمنی تأیید کرد. یافته‌های این پژوهش (در حوزه تعدیل رابطه باور به دنیای عادلانه برای خود و واکنش پرخاشگرانه) با یافته‌های بگیو و مولر (۲۰۰۶) همسوست. البته بگیو و مولر (۲۰۰۶) نقش تعدیل‌کننده دردسر آفرینی و اسناد موقعیتی را در رابطه باور به دنیای عادلانه برای دیگران با واکنش پرخاشگرانه گزارش نکرده‌اند. از این نظر یافته‌های این پژوهش با پژوهش بگیو و مولر (۲۰۰۶) همسو نیست.

یافته‌های این پژوهش، در درجه اول، این نظر را که ویژگی‌های پایه‌ای افراد، همراه با اسناد خصمانه، می‌توانند نقش بازدارنده باور به دنیای عادلانه برای پرخاشگری (گل‌پرور و همکاران، ۱۳۸۸) را تغییر دهند، تأیید کرد. یعنی وقتی افراد گرایش‌های دردسر آفرینی بالا دارند و تخصص عمده‌ی را به فرد ناکام کننده نسبت می‌دهند، طبیعی است که با نیرومند شدن باور به دنیای عادلانه برای خود، برپایه ویژگی‌شان، یعنی دردسر آفرینی

اجتماعی با دردسر آفرینی ( $r = -0.33$ ) و واکنش پرخاشگرانه ( $r = -0.296$ ) رابطه منفی و معنادار ( $p < 0.05$ ) بوده است. در جدول ۲ نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی، برای پیش‌بینی واکنش پرخاشگرانه، از طریق باور به دنیای عادلانه برای خود، دردسر آفرینی، کدگذاری‌های متضاد و تعامل‌های دوره‌ای و سه‌راهه این متغیرها آورده شده است.

چنان‌که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، در تعامل‌های سه‌راهه، تعامل باور به دنیای عادلانه برای خود × دردسر آفرینی × کدگذاری متضاد ۱، با ضریب بتای استاندارد  $-0.16$  - معنادار ( $p < 0.05$ )، برای واکنش پرخاشگرانه،  $2/6$  درصد واریانس انحصاری افزوده به بار آورده است، اما  $\Delta F$  به دست آمده در این مرحله بزرگتر از  $0.05/0.07$  و غیرمعنادار است. با این حال، به دلیل معناداری تعامل سه‌راهه مذکور و این واقعیت که معناداری  $\Delta F$  در حد مرزی است، برای پیش‌بینی واکنش پرخاشگرانه، از رگرسیون تفکیکی برحسب دردسر آفرینی زیاد و کم، در سه گروه موقعیت خصمانه، دوستانه و مبهم، از طریق باور به دنیای عادلانه برای خود استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که در گروه دردسر آفرینی کم و موقعیت دوستانه، باور به دنیای عادلانه برای خود با واکنش پرخاشگرانه رابطه معنادار ( $p < 0.05$ ) دارد. نتایج تحلیل ساده شیب خط در شکل ۱ آمده است.

همان‌طور که در جدول ۳ دیده می‌شود، در تعامل‌های سه‌راهه، تعامل باور به دنیای عادلانه برای دیگران × دردسر آفرینی × کدگذاری متضاد ۱ با ضریب بتای استاندارد  $0.16$ ، برای واکنش پرخاشگرانه،  $2/5$  درصد واریانس افزوده انحصاری به وجود آورده، اما  $\Delta F$  به دست آمده ( $2/67$ ) دارای سطح معناداری بزرگتر از  $0.05/0.07$  (یعنی  $0.07$ ) و غیرمعنادار است. با این حال، از آنجا که ضریب بتای استاندارد تعامل سه‌راهه باور به دنیای عادلانه برای دیگران × دردسر آفرینی × کدگذاری متضاد ۱ معنادار و معناداری  $\Delta F$  در حد مرزی بود، تصمیم گرفته شد برای پیش‌بینی واکنش پرخاشگرانه در سه گروه موقعیت خصمانه، دوستانه و مبهم، براساس دردسر آفرینی پایین و بالا و از طریق باور به دنیای عادلانه برای دیگران، تحلیل رگرسیون تفکیکی انجام شود. نتایج این تحلیل نشان

می‌تواند باعث افزایش پرخاشگری (ونه کاهش آن) شود. در مقابل، وقتی تمایلات شخصیتی و روانی افراد، کمتر به خشم، خصومت و دردرس‌آفرینی تمایل داشته باشد، باور به دنیای عادلانه می‌تواند به بازداري و مهار پرخاشگری بینجامد.

نتیجه یافته‌های مربوط به باور به دنیای عادلانه برای دیگران با واکنش پرخاشگرانه، با نتیجه پژوهش بگیو و مولر (۲۰۰۶) همسویی ندارد. به لحاظ نظری این ناهمسویی در مورد پژوهش‌های مربوط به حوزه باور به دنیای عادلانه و پرخاشگری نیز صدق می‌کند، زیرا گروه نمونه پژوهش بگیو و مولر (۲۰۰۶) ترکیبی از هر دو جنس (پسر و دختر) بود، درحالی که گروه نمونه این پژوهش را فقط دانش‌آموزان دختر تشکیل داده‌اند. اگرچه در شرایط کنونی نمی‌توان این نتیجه‌گیری را مطرح کرد، ولی احتمال می‌رود که متغیر جنسیت در کنار دردرس‌آفرینی و اسناد خصمانه در رابطه باور به دنیای عادلانه برای دیگران با واکنش پرخاشگرانه یک متغیر تعدیل‌گر سوم باشد. برای نتیجه‌گیری نهایی لازم است تحقیقات بیشتری بشود. به‌هرحال یافته‌های این پژوهش باید در سایه توجه به این محدودیت‌ها تفسیر شود:

- گروه نمونه این پژوهش را دانش‌آموزان دختر تشکیل داده‌اند، لذا تعمیم نتایج به دانش‌آموزان پسر تا پیش از تکرار پژوهش برای این گروه چندان منطقی نیست.
- دردرس‌آفرینی به‌صورت خودگزارش‌دهی دانش‌آموزان سنجیده شد، در صورتی که اگر این شکل از سنجش خودگزارش‌دهی با ارزیابی معلمان از دردرس‌آفرینی دانش‌آموزان همراه شود، ممکن است نتایج بهتری بدهد. در عین حال، برای تعیین دردرس‌آفرینی به گزارش‌دهی مادر یا والدین و یا هر دو می‌توان تکیه کرد.
- در تحلیل واریانس، اسناد عمدی بودن رفتار فرد ناکام-کننده در دو گروه دوستانه و مبهم معنادار نبود، درحالی که براساس گزارش بگیو و مولر (۲۰۰۶) تفاوت این دو گروه نیز می‌بایست معنادار باشد.

در سایه توجه به این محدودیت‌ها، پیشنهاد پژوهشی این است که این مطالعه در گروه‌های نمونه پسر و دختر دانش‌آموز و

بالا، به احتمال زیاد، سعی می‌کنند به شیوه‌ای عمل کنند که گویی عامل اجرای عدالت هستند، حتی اگر در این حوزه اجرای عدالت با پرخاشگری بروز نماید. ولی وقتی افراد دارای ویژگی دردرس‌آفرینی پایین هستند، باور به دنیای عادلانه برای خود، حتی در موقعیت اسناد خصمانه به عامل ناکام کننده، نه فقط به واکنش پرخاشگرانه منجر نمی‌شود، بلکه تمایل به این نوع رفتارها را تضعیف می‌کند. این یافته همسو با یافته‌های بگیو و مولر (۲۰۰۶) این نتیجه مهم را دربر دارد که باور به دنیای عادلانه، در فضای ویژگی‌های شخصیتی و روانی افراد، در خدمت جهت‌گیری خاص واکنش‌های رفتاری آنها قرار می‌گیرد. از این مسئله در پژوهش‌های قبلی بسیار غفلت شده است. زیرا آن پژوهش‌ها فقط از کارکرد آن در تعدیل خشم و پرخاشگری و به‌ویژه کاهش تمایل به پرخاشگری و خشم سخن گفته‌اند (گل‌پرور و همکاران، ۱۳۸۸؛ دزوکا و دالبرت، ۲۰۰۷؛ دالبرت و فیلکسی، ۲۰۰۷). این نتیجه‌گیری در پژوهش‌های مورد اشاره این محدودیت را دارد که به کارکرد کنترل خشم و پرخاشگری یک سویه اشاره شده است.

اما به نظر پژوهشگران این مطالعه، باور به دنیای عادلانه، به‌عنوان یک ویژگی، در فضای دردرس‌آفرینی، دارای کارکردهای دوگانه متضاد است. به این شکل که، دردرس‌آفرینی بالا و اسناد خصمانه به عامل ناکام کننده، باعث افزایش واکنش پرخاشگرانه و دردرس‌آفرینی پایین و اسناد خصمانه به عامل ناکام کننده باعث کاهش واکنش پرخاشگرانه می‌شود.

در تحقیقات آینده در ایران می‌بایست از پرخاشگری و خشم صفتی در گروه‌های نمونه دیگر، به‌ویژه بزرگسال، به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده استفاده و بدین وسیله مشخص شود که آیا در پرخاشگری صفت پایین رابطه باور به دنیای عادلانه با واکنش پرخاشگرانه منفی و در پرخاشگری صفت بالا این رابطه مثبت است یا خیر که در صورت تأیید این پیش‌بینی، می‌بایست برای باور به دنیای عادلانه، در سطح جهانی، کارکرد دوگانه متضاد مطرح شود. پیش‌بینی می‌شود که این کارکرد دوگانه متضاد بدین شکل باشد: وقتی ویژگی‌های شخصیتی و روانی با ثبات افراد، تمایل به خشم، خصومت و دردرس‌آفرینی داشته باشد، باور به دنیای عادلانه

سمت اسنادهای مبهم ودوستانه در روابط آنها تغییر داده شود، تا بدین وسیله تمایل به رفتارهای پرخاشگرانه کم شود.

زن و مرد بزرگسال تکرار شود. اما پیشنهاد کاربردی این است که با آموزش‌های کلاسی و برقراری تعامل میان معلمان و اولیای مدرسه تا حد امکان تمایلات دانش‌آموزان از قالب اسنادهای خصمانه به

دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۳/۹؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۷/۲۲

## منابع

- اکبری، م.، گل‌پرور، م.، و کامکار، م. (۱۳۸۷). رابطه اعتماد بین فردی، خودکارآمدی، پایبندی مذهبی و بخشش با باورهای دنیای عادلانه توزیعی و رویه ای. دانش پژوهش در روانشناسی، ۳۶ و ۳۵، ۸۰-۵۳.
- حسن‌زاده، ر. (۱۳۸۲). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: نشر ساوالان.
- گل‌پرور، م. (۱۳۸۹). ساختار عملی پرسشنامه باور به دنیای عادلانه رابین و پیلاو. مقاله در مرحله داوری.
- گل‌پرور، م.، و جوادی، س. (۱۳۸۵). الگوی ارتباطی بین باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران با شاخص‌های بهداشت روانی: الگوی معادلات ساختاری. فصلنامه اصول بهداشت روانی، ۳۱ و ۳۲، ۱۲۲-۱۰۹.
- گل‌پرور، م.، و خاکسار، س. (۱۳۸۸). سلامت عمومی دانشجویان تابعی از جهت‌گیری مذهبی، پایبندی مذهبی یا باورهای دنیای عادلانه توزیعی و رویه ای. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۴، ۶۴-۴۳.
- گل‌پرور، م.، خاکسار، س.، و خیاطان، ف. (۱۳۸۸). رابطه باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با پرخاشگری. روانشناسان ایرانی، ۶(۱۸)، ۱۳۶-۱۲۷.
- گل‌پرور، م.، و عریضی، ح. (۱۳۸۵). مقایسه نگرش زنان و مردان اصفهانی نسبت به دنیای عادلانه برای زنان و مردان. پژوهش زنان، ۱۶(۴)، ۱۱۴-۹۵.
- گل‌پرور، م.، و عریضی، ح. ر. (۱۳۸۶). اعتباریابی پرسشنامه‌های باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران. مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۲۵(۴)، ۲۱۲-۱۹۳.
- گل‌پرور، م.، و عریضی، ح. ر. (۱۳۸۷). مقایسه باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران بر مبنای متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل، تحصیلات، شغل و وضعیت مسکن. فصلنامه پژوهشنامه تربیتی، ۱۶، ۱۵۸-۱۲۹.
- گل‌پرور، م.، کامکار، م.، و جوادی، س. (۱۳۸۶). رابطه بین سلامت عمومی، عاطفه مثبت و منفی، رضایت از زندگی و افکار خودکار با باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران. دانش پژوهش در روانشناسی، ۹(۳۶)، ۶۸-۳۹.
- گل‌پرور، م.، نادری، م. ع. (۱۳۸۷). باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه، عدالت رفتاری، عدالت در ارزیابی و استرس منفی در مدرسه. پژوهش در سلامت روان شناختی، ۲(۲)، ۶۱-۵۱.
- گل‌پرور، م.، نادری، م. ع. (۱۳۸۹). نقش تعدیل‌کننده طحوازه‌های جنسیتی زنان در رابطه بین الگوهای نقش زنانه، مدارج ارتقاء شغلی و شبکه‌سازی با عدالت رویه‌ای در ارتقاء. تحت داوری تطبیقی در فصلنامه زن در توسعه و سیاست.

Aiken, L. S., & West, S. G. (1991). *Multiple regression: Testing and interpreting interactions*. New Bury Park: Sage.

Begue, L., & Muller, D. (2006). Belief in a just world as moderator of hostile attributional bias. *British Journal of Social Psychology*, 45(1), 117-126.

Dalbert, C., & Filke, E. (2007). Belief in a just world, justice judgments, and their functions for prisoners. *Criminal Justice Behavior*, 34(11), 1516-1527.

Dzuka, J., & Dalbert, C. (2007). Aggression at school: Belief in a personal just world and well-being of victims and aggressors. *Studia Psychologica*, 49, 313-320.

Furnham, A. (2003). Belief in a just world: Research progress over the last decade. *Personality and Individual Differences*, 34(5), 795-817.

Lerner, M. J. (1980). *The belief in a just world: A fundamental delusion*. New York: Plenum Press.

Nerb, J., & Spada, H. (2001). Evaluation of environmental problems: A coherence model of cognition and emotion. *Cognition and Emotion*, 15(4), 521-551.

Strahan, R., & Gerbasi, K. C. (1972). Short, homogeneous versions of the Marlowe-Crowne social desirability scale. *Journal of Clinical Psychology*, 28(2), 191-193.

Sutton, R. M., & Douglas, K. M. (2005). Justice for all, or just for me? More evidence of the importance of the self-other distinction in just-world beliefs. *Personality and Individual Differences*, 39(3), 637-645.

